

شهید ماشاء اللہ جباری



ازبائیں علی
سائنہ جامع سولہ اللہ و دھڑا شہید استان بوشهر

نام پدر	مختار
تاریخ تولد	۱۳۴۲/۰۲/۰۱
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۰۸/۲۱
محل شهادت	عین خوش
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	—
تحصیلات	دیپلم
مدفن	برازجان

زندگینامه

زندگینامه شهید

بسم رب الشهداء

شهید ماشاءالله جباری لاله سرخ دیگری است از سرزمین ایثارگران که با نثار جان خود در راه وطن و دین رهبر خود، حسین گونه به شهادت رسید و نامی جاودان در تاریخ برای خود باقی گذاشت. نامی که شایسته بر لوح زرین نگاشته شود و نامی که همیشه در دلها باقی خواهد ماند. خونی که از پیکر ماشاءالله بر کربلای گلگون عین خوش ریخت هزاران غنچه را آبیاری کرد تا هیچگاه نام وی فراموش نشود. شهید ماشاء... جباری در پاییز سال ۱۳۴۲ در خانواده ای فقیر و مستضعف ولی مؤمن و با تقوی دیده به جهان گشود. شهید از همان کودکی علاقه خاصی به اسلام و روحانیت داشت بطوری که در سن ۵ سالگی به مکتب رفت تا احکام اسلامی را بیاموزد و از سن شش سالگی همراه با پدرش به مسجد محله شان می رفت و نماز می خواند، وی در سن ۶ سالگی وارد دبستان شد و تحصیل را شروع کرد، او دوران ابتدایی را در دبستان خضر برازجان با تمام رسانید و در مدرسه راهنمایی ثبت نام کرد کلاسی دوم راهنمایی بود که انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری امام خمینی آغاز شد، از همان روزهای نخستین انقلاب بطور فعالانه در راهپیمایی ها و پخش کردن اطلاعاتیه های امام و ساختن کوکتل مولوتف شرکت می نمود، او علاقه خاصی به مطالعه کتابهای استاد مطهری و نهج البلاغه حضرت علی (ع) داشت و علاقه او به امام به قدری شدید بود که چند ماه قبل از پیروزی انقلاب تمثال مبارک امام را قاب گرفته و در منزل نصب کرده بود، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که تحصیلات راهنمایی را تمام کرده بود برای کسب علوم دینی عازم قم شد ولی بعزت کمی سن به دیار خویش برگشت و مشغول تحصیل در دبیرستان گردید، در سومین سال دبیرستان بود که جنگ تحمیلی عراق علیه ایران شروع شد شهید جباری نیز به ندای امام لبیک گفت و با چند تن از دوستانش عازم جبهه حق علیه باطل شد چند ماهی را در جبهه بود و برای ادامه تحصیل از جبهه برگشت و مشغول تحصیل شد، تحصیلات دوران دبیرستان را در خردادماه ۱۳۶۱ با موفقیت به پایان رسانید. دوباره راهی میدان نور علیه ظلمت شد، شهید جباری در عملیات غرور آفرین الله اکبر، فتح المبین، رمضان و محرم شرکت نمود. وقتی که در حمله الله اکبر زخمی می شود دوستانش می گویند تو چند مرتبه به جبهه رفته ای و برای تو بس است تودین خود را ادا نموده ای دیگر رفتن تو جایز نیست ولی شهید با لحن قاطع می گوید الان زمان جان دادن و خون دادن است همانطور که امام حسین(ع) هم جان و هم خون داد و اگر شما ادعای پیروی از امام حسین(ع) را می کنید نباید از جبهه رفتن من جلوگیری کنید او در همه کارهایش فقط و فقط برای رضای خدا بود و بس بطوریکه یک سال واندی در جبهه بود و حتی یک ریال هم نمی گرفت وقتی دلیل این کار را از او پرسیدند می گفت الان جبهه ها احتیاج به کمک دارند و این بی انصافی است که انسان برای پول به جبهه برود و پول ارزش ندارد. آخرین مرتبه که به جبهه رفت پاییز ۱۳۶۱ بود که حدود سه ماه دلاورانه و شجاعانه و مخلصانه در راه حق تعالی جنگید و چون عاشق خدا بود خدا نیز عاشقش شد و در روز جمعه بیست و یکم آبان ماه ۱۳۶۱ در هنگام نماز صبح در حالی که در مسجد بود بر اثر ترکش خمپاره به پیشانی اش به نزد الله شتافت. مادر شهید پس از شهادت فرزندش بسیار مقاومت و پایداری می کرد و همیشه می گفت خداوند ما شاء الله را به ما داد و خودش هم پس گرفت و آرزو می کرد که پیش فرزند شهیدش برود، خداوند هم آرزوی او را برآورده کرد و نه ماه پس از شهادت فرزندش در تاریخ ۵/۶/۶۲ به نزد فرزندش رفت، خداوند ارواح تمامی شهداء به خصوص شهید مذکور را با ارواح شهدای کربلا محشور بگرداند..

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

ستاد یادواره شهدای حوزه مقاومت بسیج نجف اشرف

برازجان

وصیت نامه

بسم رب الشهداء

شهادت نامه ماشاءالله جباری:

محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحما بینهم . محمد فرستاده خداست وباید کفار به شدت رفتار نمود ونسبت بین خود در رحیم باشید .

من المومنین رجال صدقوا عاهدالله علیه فمنهم قضی النجی ومنهم من ینتظر ومابدلوا تبدیلا . از میان شما مومنین کسانی هستند که با خدای خویش عهد بسته وتا آخرین نفس پایداری می کنند ومنتظر هستند.

هر فرد مسلمان حقوق اساسی حرکتش بر آن دو آیه بوده وهست واساس حرکت من نیز بر اساس بوده ومیباشد واکنون من شهادت نامه را می نویسم که شهادت نوشتنی ویا وصف پذیر نیست هر کسی شهید شد حق ندارد وبه آن خانواده تسلیت بگوید بلکه فقط تبریک گفت ومن ونیز به خانواده خود می گویم اگر یک ذره ناراحت شدید یا گریه کردید مسلمان تشیع علوی نیستند وبه همین منظور وصیتنامه خط کشیدم وشهادت نامه را برگزیدم من به دوستان خود ودیگران سفارش می کنم که کسی را بعنوان دوست انتخاب کنید که جنبه عملی داشته باشد وفقط برای خدا کار کند . با الله باشد وشعار ندهد.

خاطرات

بسم رب الشهداء

خاطره خواهر شهید ماشالله جباری :

برادرم با عشق و علاقه راهی جبهه شد و همان طور که خود ایشان قبل از شهادت محل شهادتش را به مادرم گفته بود ایشان در محل عین خوش به شهادت رسید . برادرم در زمان حیات خود بیشتر قرآن و مفاتیح الجنان را تلاوت می کرد به فقرا کمک می کرد با جایگاه و پایگاه والفجر همکاری نزدیکی داشت . برادرم در زندگی نامه خود نوشته بود این دنیا ارزش ندارد و بهتر است ما از این دنیا برویم . به عنوان خواهر شهید امیدوارم که مردم قدر شهدا را بدانند و فرهنگ جهاد و شهادت بریا همیشه زنده نگه داشته شود.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران